

ایران شمشیر

شماره ۳، اردیبهشت ۱۳۷۲
 مدیر و سردبیر: شجاع الدین شفا
 چهاردهمین سال اعلام تاسیس جمهوری اسلامی (۱۲ فروردین ۱۳۵۸)

چو با تخت منبر برابر شود...



امروز: حاج احمد خمینی، سید علی خامنه ای، شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی

دیروز: کوروش، داریوش، انوشیروان

وقتی که منبر بر جای تخت نشست :

- * ایران از مقام کشور پیشگام جهان در حال توسعه به مقام بنگلادش پایین آمد!
- * اقتصادی شکوفا جای خود را به اقتصادی ورشکسته داد، و فرهنگی که به جهان متمدن پرتو افکنده بود فرهنگ تروریست ها و گروگانگیران شد.
- * و فرزندان آرز و کاوه به هورالهیوز و هورالعظیم فرستاده شدند!
- * آن مردمی که به ادعای دژ بیسم به جمهوری اسلامی رأی دادند، این رأی را به کسانی دادند که به آنها وعده آزادی بیشتر، عدالت قاطع تر، رفاه اقتصادی فراوانتری داده بودند، نه به آن جهانگشایان اسلامی که درباره آن هیچ چیز بدانان گفته نشده بود!
- * قاجعه ای که با برابری منبر و تخت آغاز شد، جز با جدایی دین از حکومت پایان نمیتواند گرفت!

چنین است پرگسار چرخ بلند
 که آید بدین پادشاهی گزیند
 این مارخوار اهرمن چهر گسان
 ز قیامی و شرم بی بهر گسان
 نه تخت و نه دیهیم بینی، نه شهر
 کز اختر همه نازبان راست بهر
 شود بنده بی هنر شهریار،
 نژاد و بزرگی نیاید به کار
 به هر گوشه ای دو، متمکازه ای
 پلید آید و زشت پنداره ای
 به گیتی نمائند کسی را وفا،
 روان و زینها شود پر جفا
 نهانی بتر و لشکرا شود،
 دل مردمان سنگ خارا شود
 زیمسان بگردند و از راستی،
 گسری شود کسری و کاستی
 ریاید همی این لاق، آن ازین،
 ز نقرین نمانند باز لقرین
 بد تلبیش گسرد پسر بر پلور،
 بد و همچنین بر پسر چاره گر
 نه جشن و نه رامش، نه گوهر، نه نام،
 به گوشش زهر گونه سازند نام
 بریزند خون از پی خواسته،
 شود روزگار بسد آراسته
 زسان کسان از پی سود خویش
 بیجویند و دین تندر آرنند پیش!
 فرحوسی

در این قمار بزرگ تاریخ، ملت ایران خوکچه آزمایشگاهی آزمایشی قرار گرفت که الزاماً محکوم به شکست بود. رهبر رژیم آخوند سالاری که در دوران جنگ قدرت، حمله تبلیغاتی خود را علیه محمدزاشاه بر پایه نفی حکومت مطلقه سازمان داده بود، و در این راستا ده ها و شاید صدها بار اطمینان داده بود که دولت اسلامی آینده دولت دمکراتیک تمام عیاری خواهد بود که در آن همه آزادیها رعایت خواهد شد و هیچ مخالفتی به زندان نخواهد رفت و احزاب و مطبوعات آزادی گفتار و آزادی عمل کامل خواهند داشت، و دولت اسلامی جواب هر منتظری را فقط با منطق خواهد داد، و مگرماً ادعا کرده بود که خود او نیز نه مطلقاً نقشی در اداره امور

خود بر جای تخت نشسته است.
 با این جا بجایی، تخت سقوط کرده، ایران نیز سقوط کرده است، اما منبر هم چیزی بر قدر خود نیفروده است. درست بعکس، در تاریخ هزار و چهار صد ساله اسلام ایرانی هرگز اسلام در این کشور در معرض آن دشمنی آشکارا یا نهان قرار نگرفته بود که امروز قرار گرفته است.
 حکومتی که بنیانگذارش در ۱۳ فروردین ۱۳۵۸ آن را «اولین حکومت الله در روی زمین» دانست، از همان آغاز کار خود به راهی رفت که شکست منبر را بدنیال شکست تخت بدنیال داشت، زیرا که این راه با ناآگاهی کامل بر واقعیتهای جهانی عصر ما در پیش گرفته شد. فیضیه نیشابانی که عمرشان را در درون حجره های خود با کتابهای فقه و حدیث خودشان گذرانیده بودند نه دنیای بیرون از فیضیه را می شناختند، نه بر قوانین و الزامات سیاسی و اقتصادی چنین دنیایی آگاهی داشتند. با دید اصحاب کفیف به میدان واقعیتهای قرن بیستم آمده بودند. معدودی از آنان واقعا رقبای تجدید دوران صدر اسلامی را در سر می پروانیدند، اکثریت بسیار بزرگتری فقط در اندیشه آن بودند که در این آشفته بازار به آلال و الوفی که دست کم از هزار سال پیش در انتظار آن نشسته بودند دست یابند.

چهارده قرن پیش، وقتی که در شاهنشاهی جهاندار ساسانی منبر با تخت برابر شد، مویمان و مغان در رنق رنق امور کشور دو شادوش حکومت قرار گرفتند و بر همه کارها دست انداختند. ددبری نگذشت که راه بر استیلای ویرانگر «مار خوار اهرمن چهرگان» و بر پایان عصر شکوه و سرفرازی ایران گشوده شد. سه قرن پیش، در پادشاهی مقتدر صفوی، بار دیگر منبر با تخت برابر شد. محدثان و رمالان در رنق رنق امور مملکت دو شادوش حکومت قرار گرفتند و بر همه کارها دست انداختند. و ددبری نگذشت که مشتاقان پاره پاره به دوران شکوهند صفوی در اصفهان پایان دادند.

نزدیک به یک قرن پیش، در آخرین سالهای دودمان نالایق قاجار، باری دیگر منبر و تخت برابر شدند، و این بار استعمار انگلستان نیز بازو در بازوی منبر انگنید. و در پیامد آن قرار داد تحت حمایتی نکبتی به امضا رسید که میبایست دفتر استقلال و حاکمیت ایران را برای همیشه ببندد.

چهارده سال است باری دیگر در ایران تخت با منبر برابر شده است. ولی این مرتبه، برای نخستین بار در تاریخ کشور ما، منبر